

شهید مطهری: انتظار وظیفه است اما وظیفه انتظار نیست. یعنی ما موظفیم که منتظر و امیدوار به آینده باشیم ولی وظیفه ما صرفاً این نیست که منتظر باشیم.

زندگینامه کارمند شهید دانشگاه فردوسی شهید غلامرضا احمدی:



شهید غلامرضا احمدی در بیستم تیرماه 1333 در شهر مشهد شهر شهادت بدنیا آمد و در خانواده مستضعف بزرگ شد .. در سال 1346 به دبیرستان ابومسلم رفت و سه سال هم در آن دبیرستان مشغول تحصیل بوده و چون در سال دوم دبیرستان به انتهای کوهسنگی انتقال یافت در اثر دوری راه و کمی امکانات نتوانست موفقیت امتحان حاصل نماید مجبور به ترک تحصیل شده و در سال 1349 شغل آزاد برای خود انتخاب و مشغول کار شد تا اینکه در سال 1352 خود را برای خدمت سربازی معرفی نمود ...

اول سال (1355-1354) برگه خاتمه خدمت خود را گرفته به مشهد آمد و به شغل اول خود مشغول شد.. بعد از مدتی به عنوان راننده در دانشگاه فردوسی استخدام گردید. از شروع انقلاب وضع دگرگونی و انقلابی داشت و از شروع جنگ آرزویش رفتن به جبهه و ادای وظیفه شرعی خود می دانست. می گفت دعا کنید تا اینکه من هم موفق شوم و ادای وظیفه نمایم. تا اینکه در 1361/11/14 از طرف دانشگاه مشهد به عنوان راننده آمبولانس اعزام و پس از 35 روز خدمت در 61/12/18 در فکه شربت شهادت را نوشید و به مقصد خودش نایل گشت. در روز چهارشنبه 61/12/25 خبر شهادت او را به ما دادند. روز پنجشنبه 61/12/26 مصادف با شهادت بی بی عالم علیهم السلام جده سادات حضرت زهرا (ع) از ستاد شهدا تا حرم مطهر ثامن الحجج (ع) بر دوش امت حزب الله و همیشه در صحنه شهر شهادت مشهد مقدس تشییع و پس از آن مراسم جهت دفن به بهشت رضا در جوار شهدای جنگ تحمیلی بخاک سپرده شد.

یاد و خاطرش زنده باد

قال رسول الله ﷺ
أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ يَا عَلِي

فلسفه وجوب قرائت سوره حمد در نماز چیست ؟

به طور خلاصه باید بگوییم اساساً سوره حمد با سوره های دیگر قرآن فرق روشنی دارد. به خاطر این که سوره های دیگر همه از زبان خداست ولی این سوره از زبان بندگان است. بنده با خواندن سوره حمد احساس می کند که به خدا نزدیک می شود و با خدا مناجات می کند و پیداست که اثر تربیتی آن بسیار است. امام صادق (ع) می فرماید: «در دو مورد ابلیس به شدت ناراحت شد: 1. هنگام بعثت پیامبر (ص)؛ 2. هنگام نزول سوره حمد». این سوره از دو بخش ترکیب یافته و جامع حمد و ستایش خدا خدا و خواسته های بندگان است. روی همین اصل حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که خداوند می فرماید: «سوره حمد را در نماز قرار دادم تا بین خود و بنده ام تقسیم کرده باشم؛ نیمه مربوط به من و نیمه مربوط به بنده ام می باشد». و چون بنده بی نهایت نیازمند در برابر خداوند بی نهایت بی نیاز قرار گرفته قطعاً خود را باید فراموش کند. نخست خدا را ببیند، از او شروع کند و سپس به نیازمندی های خود بپردازد. در برابر او خضوع کند و بگوید: «غیر از تو دیگران هیچ، ستایش و خضوع من، همه مخصوص تو است.» خلاصه در اهمیت سوره حمد همین بس که در قرآن از جمله سوره حجر آیه 87 این سوره را با تمام قرآن همپایه قرار داده «و لقد آتیناک سبعاً من المثانی والقرآن العظیم»؛ ما سوره حمد و قرآن عظیم را به تو عطا کردیم» پس بدین دلیل است که خداوند سوره حمد را در نماز واجب نموده است.



حسن ختام:

دیر نشود مولا!

هر چند من خسته نمی شوم

از تکرار همیشگی این رؤیا. در اعماق

تاریک شب های بی ستاره. با هر تپش قلبم آرام و بی صدا تو را فریاد می کنم و هر شب، به شوق دیدار تو در خواب، چشمان اشک آلودم را بر هم می نهم. به امید صبحی که به کلبه تاریک دلم پا گذاری و آن را نورانی کنی.

دیر نشود مولا! بیا و با شمشیر عدل خود انتظار فاصله ها را گردن بزن.

اللهم عجل لولیک الفرج

منتظر نظرات شما عزیزان هستیم .

پایگاه مقاومت بسیج شهید مطهری

<http://basij.um.ac.ir>
basij-k@wali.um.ac.ir
www.k-basij.blogfa.com



اندیشه مطهر

شماره 30

پایگاه مقاومت شهید مطهری
دانشگاه فردوسی

تیر ماه 88



مبعث حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم)

مبارک باد

این نشریه دارای اسامی متبرکه می باشد در حفظ و نگه داری آن کوشا باشید .



«خدایا می دانی که در زندگی پرتلاطم خود ، لحظه ای تو را فراموش نکردم. همه جا به طرفداری حق قیام کرده ام. حق را گفته ام. از مکتب مقدس تو در هر شرایطی دفاع کرده ام. کمال و جمال و جلال تو را به همه مخالفان و منکران وجودت عرضه کرده ام و از تهمت ها و بدگویی ها و ناسزاهای آنها ایا نکردم. در آن روزگاری که طرفداری از اسلام به ارتجاع و به قهقراری تعبیر می شد و کمتر کسی جرأت می کرد که از مکتب مقدس تو دفاع کند، من در همه جا، حتی در سرزمین کفر، علم اسلام را بر می افراشتم و با تبلیغ منطقی و قوی خود، همه مخالفین را وادار به احترام می کردم و تو ای خدای بزرگ! خوب می دانی که این فقط بر اساس اعتقاد و ایمان قلبی من بود و هیچ محرک دیگری جز تو نمی توانست داشته باشد.»

(شهید چمران)

یاد شهید مطهری:

استاد مطهری (ره) در سالهای اخیر گرایش عجیب به سیر و سلوک و عرفان پیدا کرده بود و هر شب بعد از نماز مغرب و عشاء ، یک یا چند سوره ازقرآن را با صوتی خوش تلاوت می کرد و نیمه شب برای به جا آوردن نماز شب برمی خاست ، شبی قبل از شهادت ، استاد خوابی می بیند که از زبان خودش می شنویم :

"خواب دیدم که با رهبر انقلاب در شهر مکه و در مقابل کعبه قرار دارم ناگهان در کعبه باز شد و چهره ای نورانی حضرت نمودار گشت امام فرمودند که ایشان رسول خدا هستند . . . چشمان پیامبر اکرم (ص) بر امام خیره شده بود وقتی که خدمت رسول خدا (ص) رسیدیم حضرت امام را در آغوش کشیدند و پیشانی ایشان را بوسیدند اما بعد به طرف من برگشتند و لبهای مرا چند بار غرقه در بوسه کردند."

استاد با هیجان و التهاب عجیبی که در روحش پیدا شده بود از خواب بیدار می شود و در مورد تعبیر خواب خود می گوید : در آینده نزدیک تحول بزرگی در زندگی من پیش خواهد آمد.

حضرت زهرا علیها السلام:



«از دنیای شما سه چیز را دوست دارم : تلاوت کتاب خدا، نظر به چهره رسول خدا (ص) و بخشش در راه خدا».

«هر کس عبادت خالص خود را به سوی پروردگار بالا بفرستد، خداوند برترین مصلحت خود را به سوی او می فرستد».

بیعت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم:

«بعثت» انقلاب بزرگ برضد جهل، گمراهی، فساد و تباهی است. وسزاوار منت گذاری خداوند و در بردارنده حکمت و تربیت است. محمد به مرز چهل سالگی رسیده بود او هر ساله سه ماه رجب وشعبان ورمضان را در غار حرا (کوهی در شمال مکه) به عبادت می گذرانید. آن شب، شب بیست و هفتم رجب بود که محمد درغار حرا مشغول راز و نیاز با خالق محبوب بود، صدای خجسته و با صلابتی را شنید که او را امر به خواندن کرد . بعد از سه مرتبه پیامبر نیز با او خواند ؛ بخوان، بخوان به نام پروردگارت که آفرید . همان که انسان را از خون بسته ای خلق کرد. بخوان که پروردگارت از همه بزرگوارتر است، همان که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی دانست، یاد داد. آری چه شروع زیبا و کاملی. این آیات از خواندن، خلقت، کیفیت خلقت، شکر و سپاس، علم و دانش و... سخن گفته است، گویی باور خلقت اگر با علم و دانش عجین شود، انسان را به اوج آگاهی می رساند.

محمد، هنگامی که از غار پایین می آمد زیر بار عظیم نبوت و خاتمیت، به جذبه الوهی عشق بر خود می لرزید، از این رو وقتی به خانه رسید به خدیجه که از دیر آمدن او سخت دلواپس شده بود گفت: مرا بیوشان، احساس خستگی و سرما می کنم! او چون خدیجه علت را جویا شد گفت: آنچه امشب بر من گذشت بیش از طاقت من بود، امشب من به پیامبری برگزیده شدم!

خدیجه که از شادمانی سر از پا نمی شناخت، در حالی که روپوشی پشمی و بلند بر قامت او می پوشانید گفت: من مدت ها پیش در انتظار چنین روزی بودم می دانستم که تو با دیگران بسیار فرق داری، اینک به پیشگاه خدا شهادت می دهی که تو آخرین رسول خدایی و به تو ایمان می آورم. پس از آن علی که در خانه محمد بود با پیامبر بیعت کرد. بعد از آن پیامبر اکرم (ص) از جانب خداوند مأموریت یافت تا خویشاوندان خود را به اسلام دعوت کند که این دعوت از دو جهت حائز اهمیت بود: دعوت اقوام می توانست در شروع کار پشتوانه خوبی باشد و اگر آنها دعوت پیامبر (ص) را لبیک می گفتند، شاید کفار مکه جرأت آن همه جسارت را به خود نمی دادند . خانواده و اقوام اولین زیر ساختاری است که باید اصلاح شود تا جامعه روند اصلاحی خود را زودتر طی کند

با مطالعه در آیات قرآن هدف ارسال رسولان به خوبی مشخص می شود و آن دستیابی مردم به فهم و درک اجتماعی برای اقامه عدل و قسط است. از بین بردن شرک، احسان به والدین ، وفا به عهد الهی، عدم خیانت به مال یتیم، اجتناب از همه زشتی ها، ممانعت از آدم کشی، صدق و راستی و دوری از دروغ، ممانعت از فرزندکشی و...

خطبه ای از امام علی علیه السلام پس از بازگشتش از صفین:

او را سپاس می گویم و خواستار فزونی نعمت او هستم و بر آستان عزتش سر تسلیم نهاده ام و خواهم که مرا از گناه در امان نگه دارد. از او یاری می جویم که نیازمند آنم که نیازم برآورده شود. هر کس را که او راه بنماید، گمراه نگردد و هر کس را که با او دشمنی ورزد، کس زیهار ندهد، هرکس را که تعهد کند، بی چیز نشود که تعهدش از هر چه به سنجش آید، افزون است و از هر چه اندوختنی است برتر. و شهادت می دهم که خداوندی جز الله ، خدای یکتا نیست . یگانه است و بی هیچ شریکی.

شهادت می دهم ، شهادتی که خلوصش از بوته آزمایش نیکو برآمده باشد و اعتقاد به آن با صفای نیت همراه بود. بدان چنگ در می زنم ، همواره تا آنگاه که ما را زنده می دارد و می اندوزیم آن را برای روزهای هولناکی که در پیش داریم . چنین شهادتی نشان عزم جزم ما در ایمان است و سرلوحه نیکوکاری و خشنودی خداوند است و، سبب دور ساختن شیطان.

و شهادت می دهم که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده او و پیامبر اوست که او را فرستاد با آیینی چون آفتاب تابنده ، پرآوازه و دانشی برتر و کتابی نوشته شده و فروغی تابان و پرتوی درخشان و فرمانی قاطع تا حق از باطل بازشناساند؛ و زنگ شبهت از دلها بزداید. محمد (صلی الله علیه و آله) برای اثبات پیامبری خویش حجت ها آورد و مردمان را با آیات کتاب خود بیم داد و با ذکر عقوبتها و کيفرها که بر امت های پیشین رفته بود، بترسانید.

مردمان در فتنه هایی گرفتار بودند، که در آن رشته دین گسسته بود و پایه یقین شکست برداشته و می لرزید. هرکس به چیزی که خود اصل می پنداشت چنگ زده بود. کارها پراکنده و درهم ، راه بیرون شدن از آن فتنه ها باریک ، طریق هدایت مسدود و کوری و بی خبری انسان شایع و همه گیر که هدایت را آوازه ای نبود. خدا را گناه می کردند و شیطان را یار و یاور بودند. ایمان خوار و ذلیل بود، ستونهایش از هم گسیخته و نشانه هایش دگرگون و راههایش ویران و جاده هایش محو و ناپدید.

همگان در راه شیطان گام می زدند و از آبشخور او می نوشیدند. به یاری این قوم بود که شیطان پرچم پیروزی برافراشت و فتنه ها برانگیخت و آنان را در زیر پاهای خود فرو کوفت و پی سپر سمهای خود نمود. آنان ، در آن حال ، حیرت زده و نادان و فریب خورده بودند و بهترین خانه ها را بدترین همسایه . شبها خواب به چشمانشان نمی رفت و سرمه دیدگان شان سرشک خونین بود. آنجا سرزمینی بود که بر دانایش چون ستوران لگام می زدند و نادانش را بر اورنگ عزت می نشانند.

(نهج البلاغه خطبه 2)